

میدون و سوفیا

افشاکری درباره بالارفتن از دیوار سفارت آمریکا و عربستان:

هوای شوروی مالی نیست!



پوریا عالمی

● ما رسما با اینکه بچه کی دارد در کجا چی کار می‌کند مخالفیم. مگر اینکه آن بچه دارای ژن خوب باشد و معلوم باشد که در کجا دارد چی کار می‌کند و حال ژن خویش را می‌برد و رانتش را می‌خورد و بودجه‌اش را لفت‌ولیس می‌کند. اما یکی از آنهایی که ۴۰ سال پیش از سفارت آمریکا رفت بالا، الان خدا خواسته و بچه‌اش دارد در آمریکا زندگی می‌کند، هر چندوقت یک‌بار باید جواب پس بدهد که این چه وضعیه؟ دیروز هم ما مصاحبه جدیدی از ایشان خواندیم که دیدیم نه او هنوز با این قضیه کنار آمده، نه افکار عمومی. برای همین خودمان یک مصاحبه با بابای سوفیا، یکی دیگر از بالاروندگان از دیوار سفارت آمریکا، ترتیب دادیم تا قضیه را جمع‌بندی کنیم:

: سلام بابای سوفیا! آیا درست است که شما از دیوار مردم بالا رفتی؟

- بله، ما سیاسی بودیم و این یک رفتار سیاسی بود. آیا الان کسانی که از دیوار مردم بالا می‌روند می‌توانند بگویند داریم فعالیت سیاسی می‌کنیم؟! - خیر. فعالیت سیاسی ربطی به کار اقتصادی ندارد. - ولی الان خیلی از سیاست‌مداران ما دارند کار اقتصادی می‌کنند و می‌گویند سیاستشان این است که همز گلی که در سیاست و جامعه زدند، توی اقتصاد هم بزنند. آیا شما هنوز فعالیت سیاسی می‌کنید یا دیگر غیرفعال شده‌اید؟

- من هنوز فعال هستم. - اگر هنوز فعال هستید چرا به‌عنوان فعالیت سیاسی از دیوار سفارت عربستان بالا نرفتید؟ - برای اینکه آن فعالیت سیاسی نبود. اینها یک سری جوان خام بودند که معلوم نیست از کجا دستور گرفته بودند... - یعنی ۴۰ سال پیش شما پیر بخته بودی؟ و معلوم بود از کجا دستور می‌گیرید؟

- نه، منظورم این نیست. منظورم این بود که آمریکا مشخص بود که با ایران دشمنی دارد و ما باید سفارتش را می‌گرفتیم. - یعنی اگر با کسی دشمنی داشته باشیم می‌توانیم از دیوارش برویم بالا؟ من الان با شما دشمنی دارم، از دیوار شما بیایم بالا و شما را گروگان بگیرم اوکی است؟ - نه. منظورم دشمنی در سطح روابط دیپلماتیک است. - خب رابطه عربستان با ایران مشخص نیست؟ شاید کسانی که از دیوار عربستان بالا رفتند بگویند ما از روی دست کسانی کپی کردیم که از دیوار آمریکا بالا رفتند.

- سؤال بعدی لطفا. - خب این چه بالارفتنی بود که بعد فرزند شما برود آنجا زندگی کند و درس بخواند؟ خب از همان اول اگر سفارت را نمی‌گرفتید، الان هرکی هرجا دوست داشت می‌رفت و شما پاسخ‌گو نبودید. - آزاد است که هرجا دوست دارد زندگی کند. - خب چرا هیچ‌کدام از آنها که سفارت آمریکا را گرفتند بعدا هیچ‌کدام از دوروبری‌ها یا خودشان نرفتند شوروی و روسیه زندگی کنند؟

- خب شوروی یک دوتایلد و الای و استارباکس و اقتصاد درست‌حسابی و آزادی اجتماعی و آزادی بیان ندارد وگرنه کسی با زندگی در شوروی مشکلی نداشت. راستی هوای روسیه هم مالی نیست. من یک‌بار توی بی‌بی‌سی دیدم همیشه پالتو نتشان است. - این درست است که خیلی‌ها چپ بودند، بعد راست شدند؟

- اصلا. ما خیلی جوان بودیم. بعد متوجه شدیم وقتی می‌گفتیم چپ یعنی راست که یک اشتباه لیلی بود.

: آیا شما هنوز هم با آمریکا دشمنی دارید؟ - بله، همین چندوقت پیش که ما گرین‌کارتی‌ها را هوا کرد خیلی ازش شاکی شدم. چرا من آزادانه نمی‌توانم بروم و بیایم؟ یعنی ظلم تا چقدر؟ خیلی غیرانسانی است که حاکمان یک کشور به مردم یک کشور دیگر سخت بگیرند. واقعا آدم نمی‌تواند تحمل کند.

: بمیرم الهی برات. ایشالا درست میشه و آمریکا هم با مردم ایران مهربان‌تر برخورد می‌کنه.

- ایشالا. هیچ‌وقت مردم ایران این‌قدر سختی و زجر نکشیدند که گرین‌کارتشون هوا بشه و نتوانند بروند آمریکا. این یک معضل بزرگ بحقوق‌بشری است که من درخواست دارم سازمان ملل ورود کند. واقعا تکتک مردم ما در رنج هستند.

: تکبکو. بای هانی.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۸ آذر ۱۳۹۷ ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۸ سال شانزدهم « شماره ۳۳۰۲ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ اذان مغرب ۱۷:۱۱ اذان صبح فردا ۵:۲۶ طلوع آفتاب ۶:۵۴

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

کاتو گومز



دور دنیا

چهره سال ۲۰۱۸ تایم کیست؟

مجله آمریکایی تایم که بیش از ۹۰ سال است هرساله شخصیتی را به‌عنوان چهره سال معرفی می‌کند. نامزدهای چهره سال ۲۰۱۸ را اعلام کرد که نام رهبران سیاسی، مدیران موفق و کارگردانان پیشرو در آن دیده می‌شود. خانم کریستین لیزی‌فورد که علیه قاضی کاوانا، نامزد ریاست دیوان‌عالی آمریکا، شهادت داد یکی از این چهره‌هاست. نانسی پلوسی، رهبر اقلیت (سابق) کنگره آمریکا از حزب دموکرات که در انتخابات میان‌دوره‌ای به پیروزی رسید، اما اکنون با مخالفت هم‌حزبی‌هایش برای برعهده‌گرفتن ریاست در کنگره روبه‌روست و استیسی آبرامز، سیاست‌مدار دموکرات از جورجی از دیگر شخصیت‌های فهرست نامزدهای چهره سال تایم هستند. نام شی جنپینگ، رئیس‌جمهور چین که این روزها وارد دعوی‌اش شدید عوارض با ترامپ شده، در کنار خود ترامپ که توانسته آشوب را به دنیا هدیه کند دیده می‌شود. در این میان نهایت چهره سال برگزیده شدند.

پیشخوان

به عوامل مهمی که منجر به شکل‌نگرفتن یک مدیریت سینمایی توانمند شده، پرداخته‌اند. بخش ادبی در این شماره موضوع جذاب نانوشتن و نانوشته‌ها را به بحث گذاشته است. نانوشته‌ها، چیزهایی که نوشته نشده، ولی خواننده می‌تواند آنها را بخواند. نوشته‌های احمد اخوت، شاپور بهیان، ابوتراب خسروی، ابراهیم دمشناس، فرشته معلوی، حافظ خیابی و... را در مورد نانوشتن بخوانید.

سینما و ادبیات

شماره پاییزی سینما و ادبیات به سراغ سینمای فرانسه و کارگردان شناخته‌شده آن رویر برسون رفته است. موضوع چالش‌برانگیز مدیریت سینمایی مجور بخش سینمای ایران در این شماره است. علیرضا رئیسان، بهروز افخمی، علیرضا رضاداد و جواد طوسی



کنسرت گروه موسیقی مارال



فرهنگسرای نیاوران ۲۰، ۲۱ و ۲۲ آذرماه ساعت ۲۰

تهیه بلیط : www.iranconcert.com

مرضیه برومند

اختصاص روز یا هفته یا دهه‌ای به‌عنوان نفی خشونت علیه زنان، به‌خصوص در جوامعی که قوانین مربوط به حقوق زنان ناقص است، سبب می‌شود که لاقال سالی‌چندروز به این ناهنجاری رفتاری پرداخته و توجه شود، اما به عقیده من بهتر بود این زمان را به نفی خشونت به‌طور عام اختصاص می‌دادند.

همه آدم‌ها ممکن است به هم آسیب وارد کنند، شوهر به زنش، زن به شوهرش، پدر و مادر به بچه، بچه به پدر و مادر، همسایه به همسایه، راننده به راننده دیگر در ترافیک و... همه ممکن است به هم خشونت کنیم و متأسفانه اغلب این خشونت‌ها ریشه در ناامنی اقتصادی دارد.

به نظر من اگر در جامعه‌ای حقوق انسانی افراد

زنانی که من دیدهام

کلاف بلند خشونت



زهرا عمرانی

۱۹ سال پیش چهارم آذرماه، از طرف سازمان ملل به عنوان روز جهانی حذف خشونت علیه زنان نام‌گذاری شد. هدف از نام‌گذاری این روز، آگاهی‌بخشی درباره این واقعیت بود که زنان در اقصی نقاط جهان، مورد تجاوز، خشونت خانگی و دیگر انواع خشونت قرار می‌گیرند. در واقع عیان‌کردن مقیاس و واقعیت ذاتی خشونت علیه زنان که اغلب موضوعی پنهان است، یکی از انگیزه‌های اصلی این نام‌گذاری بود. اما دلیل انتخاب چهارم آذر برای نام‌گذاری چنین روزی، به ۵۸ سال قبل برمی‌گردد؛ زمانی که سه خواهر میرال که از فعالان سیاسی و مخالفان حکومت وقت در جمهوری دومینیک بودند، به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیدند.

قصه همچنان ادامه دارد، امسال جایزه صلح نوبل به دونفری تعلق گرفت که زندگی خود را گذاشته‌اند تا با خشونت جنسی به‌مثابه یک اسلحه جنگی مبارزه کنند. دنیس موکوگه، ۶۳ساله، پزشک متخصص زنان اهل کنگو و نادیا مراد، دختر ۲۵ساله کرد از اقلیت ایزدی و اهل موصل عراق است؛ دنیس مردی که به خاطر حرف‌هایش با عمق خشونت‌ی که علیه زنان می‌شود، مواجه شده و کوشیده است زشتی و کراحت آن را به جهانیان بنمایاند، نادیا دختری که به دلیل جبر جغرافیا، از قربانیان خشونت بوده و لایه‌های عمیق آن را با گوشت و استخوان چشیده است. هر دو به پا خاسته‌اند بلکه بتوانند کاری در برابر این همه ظلم آشکار و نهان کنند.

دنیس که در دوران پزشکی عمومی با زنان بسیاری که از ناراحتی‌های مربوط به زایمان رنج می‌بردند مواجه بود، تخصصش را در رشته زنان و زایمان به پایان رساند. با شروع جنگ داخلی کنگو و افزایش روزافزون زنان و دخترانی که مورد تعرض و تجاوز قرار می‌گرفتند، دنیس، یک بیمارستان فوق‌تخصصی زنان و زایمان تأسیس کرد. از زمان تأسیس تاکنون نزدیک به صد هزار زن آسیب‌دیده در این بیمارستان درمان شده‌اند. حدود ۶۰ درصد از این آسیب‌ها ناشی از خشونت‌های جنسی سربازان جنگی بوده است.

دنیس که یی‌برده بود خشونت جنسی یکی از اسلحه‌های جنگی شورشیان در گروه‌های مختلف است. از اواخر دهه ۹۰، زندگی خود را وقف درمان و جراحی زنان خشونت‌دیده کرده است. از دنیس امروزه به عنوان یکی از برجسته‌ترین متخصصان ترمیم جراحات‌های ناشی از تجاوز نام برده می‌شود. تجربه عجیب او در مواجهه با حجم زیاد خشونت جنسی در جنگ، باعث شد تا در سال ۲۰۱۲ در سازمان ملل درباره تجاوز جمعی در جمهوری کنگو صحبت کرده و از کشورها به دلیل کم‌کاری‌شان در «جنگ ناعادلانه‌ای که از خشونت علیه زنان و تجاوز به عنوان استراتژی جنگی استفاده می‌کند»، انتقاد کند.

نادیا مراد، یکی از قربانیان این جنگ‌ها بود. ۱۹ سال داشت که روستایش مورد تهاجم داعش قرار گرفت. در این تهاجم شش‌برادرش کشته شدند و او به همراه خواهرانش به اسارت گرفته شد. در آن سال او یکی از حدود هفت هزار زنی بود که به اسارت داعش درآمد و در بازار به یکی از سربازان عالی‌مقام داعش فروخته شد و به عنوان برده، مورد ضرب‌وشتم و تجاوز قرار گرفت. او توانست بعد از سه ماه به کمک یکی از همسایه‌ها فرار کند و خود را به کمپ پناهندگان برساند. از چهار سال پیش تا امروز، نادیا هر روز قصه خود را برای رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی تعریف کرده است. او می‌گوید: «استفاده از زنان به عنوان برده جنسی، تصمیمی نبود که یک‌روزه از سوی یک سرباز حریص داعشی گرفته شود. این یک استراتژی برنامه‌ریزی‌شده است. تجاوز به عنوان یک سلاح جنگی در همه جنگ‌ها مورد استفاده بوده است». نادیا که ساکن روستای کوچکی در موصل عراق بود، زمانی از کنگو یا جمهوری دومینیک، نشنیده بود و هرگز فکر نمی‌کرد با زانی در آن کشورها، فصل مشترک داشته باشد. اما حالا به قول خودش: «به بدترین نوع ممکن یعنی به‌مثابه یک قربانی جنایت جنگی» به آنان متصل شده است.

۱۵ سال پیش از آنکه داعش به روستای نادیا حمله کند، سازمان ملل روزی را به نام روز مبارزه با خشونت علیه زنان نام نهاده بود. ۱۶ سال پیش‌تر زنان کنگو مورد خشونت قرار گرفته و ۴۰ سال قبل از آن در جمهوری دومینیک خواهران معترض به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده بودند. سال‌هاست که فعالان حوزه زنان، افراد خشونت‌دیده و نهادهای بین‌المللی به پا خاسته‌اند تا این ظلم هرروزه نهان را عیان کنند و تأثیرش را بر زندگی بشریت فریاد بزنند. امسال دلیل کبر سازمان ملل در بیابیه‌ای که به مناسبت این روز داده، گفته است: «تا زمانی که نیمی از جمعیت جهان که زنان و دختران هستند، نتوانند بدون ترس از خشونت و ناامنی زندگی کنند، نمی‌توان گفت که عدالت و امنیت بر این جهان حاکم است». نقش تکتک ما برای مبارزه با این خشونت چیست؟

سلام به فردا

ناامنی اقتصادی، ریشه خشونت

رعایت شود و انسان جایگاه واقعی خود را پیدا کند، به‌طورقطع همه افراد جامعه، از جمله زنان و مردان رفتار بهتری با هم خواهند داشت. بدیهی است که قوانین مربوط به زنان در مملکت ما نقایصی دارد و باید برای کسب حقوق برابر و رفع نقایض قانونی چاره‌ای بیندیشیم و راه درازی در پیش داریم.

آنچه این مسیر را هموار و کوتاه می‌کند، رفتار امروز خودمان است. متأسفانه بسیاری از خانم‌ها امروز دچار دوگانگی تفکر و رفتار هستند، از یک سو حقوق برابر می‌خواهند و از سوی دیگر، آنجا که به نفعشان نیست، رفتاری برعکس و واپس‌گرایانه از خودشان بروز می‌دهند که با مطالبات شعاری‌شان در این حوزه جور در نمی‌آید. اگر زنان بحق حقوق برابر می‌خواهند باید در همه زمینه‌ها بخواهند و به آن عمل هم بکنند.

اگرچه اغلب خشونت‌ها از ناحیه مردان به زنان وارد می‌شود، اما کم نیستند زن‌هایی که با مردها با خشونت رفتار می‌کنند.

خشونت تنها فیزیکی اتفاق نمی‌افتد، خشونت کلامی، توهین و تحقیر از سوی خانم‌ها، اغلب زمینه‌ساز بروز خشونت فیزیکی است؛ برای مثال هر روز هزاران موتورسوار را می‌بینیم که در گرما و سرما و در هوای آلوده از لایه‌لای اتومبیل‌ها به‌زور راه باز می‌کنند و ویواژ می‌دهند، آنها بخش کوچکی از مردانی هستند که از صبح تا شب خود را به آب و آتش می‌زنند تا لقمه‌ای نان به خانه ببرند. در فرهنگ سنتی ما مرد نان‌آور خانه است و هیچ‌کس زن را مسئول نمی‌داند.

مرد خسته و عصبی و گاه با جیب خالی به خانه می‌رسد و چون نمی‌تواند مسببان اصلی بی‌پشتوانگی اقتصادی‌اش را مورد سؤال قرار دهد، با یک جرقه از سوی همسرش آتش می‌گیرد و رویش دست دراز می‌کند.

بالین‌همه هستند مردان شریف و زحمت‌کشی از همه طبقات اجتماعی که با وجود اینکه قوانین به‌نفع آنهاست، از این امتیاز هرگز استفاده نمی‌کنند و با احترام و عدالت با همسرشان رفتار می‌کنند.

روایت

چشم‌باز کردن بر خشونت علیه زنان



الهه خسروی‌یگانه

منع خشونت علیه زنان کار سختی است؛ نه به‌خاطر اینکه ابزارش را نداریم یا فرهنگش نیست، به‌خاطر اینکه خیلی‌وقت‌ها اصلا نمی‌دانیم که خشونت‌ورزیدن چه گستره‌ای دارد.

وقتی درباره خشونت علیه زنان صحبت می‌کنیم با دو موضوع طرفیم؛ اول اینکه خیلی‌ها گمان می‌کنند خشونت‌ورزی فقط محدود به اعمال زور و قدرت فیزیکی می‌شود و دوم اینکه گمان می‌برند خشونت تنها از سوی مردان به زنان اعمال می‌شود و چشم روی خشونت‌های پیدا و پنهان زنان به یکدیگر می‌بندند.

همین وضعیت است که تلاش برای رفع یا محدودکردن خشونت علیه زنان را دشوار می‌کند. راه زیادی مانده که به جامعه این آگاهی را بدهیم که خشونت تنها تکتک‌زدن یا حبس‌کردن زنی در خانه نیست. هر حرف به ظاهر ساده‌ای که اعتمادبه‌نفس را خدشه‌دار می‌کند یا هر شوخی کلامی که درباره بدن زنان می‌کنیم مصداق خشونت است.

درواقع موضوع این است که اعمال خشونت چنان با فرهنگ، تفکر و شیوه زندگی ما عجین شده که آگاهی از آن و پرهیز از انجامش نیازمند تلاشی شبانه‌روزی و جهادی همیشگی است. ما – چه زن، چه مرد– برای اعمال خشونت و پذیرفتن آن «زیت» شده‌ایم.

وقتی به‌عنوان مادر در دخترتان می‌گویید که وظیفه اصلی تو یادگرفتن خانه‌داری، ازدواج و فرزندآوری است، وقتی به‌عنوان یک زن به همکارانت می‌گویید که بهتر است فلان کار را به همکار مردتان بسپارید، چون «اون‌ها بهتر از پسش برمی‌ان»، وقتی از خواهرتان می‌خواهید علاوه‌بر پوشش تحمیلی مطابق خواسته شما یا پدرتان لباس بپوشد، وقتی می‌بینید که مادرتان مورد آزار کلامی پدر یا خویشاوندان قرار می‌گیرد و سکوت می‌کنید، همه شما در حال اعمال خشونت هستید.

برای همین معتقدم تلاش برای عدم اعمال خشونت، مبارزه برای جلوگیری از خشونت علیه زنان و اعتقادداشتن به حقوق آنها، همان‌قدر که مستلزم یک اراده جمعی و همگانی است، نیازمند مجاهدت و توجه شبانه‌روزی آدم‌ها به رفتارشان است؛ اینکه بدانیم ساده‌ترین رفتارهای ما گاهی بدراحتی می‌توانند مصداق اعمال خشونت باشند.

مبارزه با خشونت علیه زنان کار سختی است. متأسفانه اینجا هم باید از خودمان شروع کنیم و بعد از دیگران بخواهیم که آن را ادامه دهند. در غیر این صورت برمه‌عیز در حد شعار و فغان و فریادهای همیشگی خواهد ماند؛ همین‌طور عقیم، بی‌تأثیر و تأسف‌آور. به‌جای جنگیدن با آسیاب‌های بادی باید با غول‌های مهیبی بجنگیم که کاملا مسالمت‌آمیز بایدونایدی‌های ذهنی ما را شکل داده‌اند و راستش را بخواهید ما را هم به غول بی‌شاخ‌ودمی شبیه کرده‌اند که اعمال خشونت جزء رفتار روزمره‌اش شده است.

تکته

شیر بیشتر از نوشابه

به‌تازگی نتایج جالبی از فرهنگ رفتاری خانوار توسط طرح آمارگیری به دست آمده است. هرچند این آمار متعلق به سال ۹۶ است که هنوز اجاری خروج آمریکا از برجام، تورم نقطه‌به‌نقطه بالای ۳۰ درصد و دلار ۱۲ هزارتومانی یا ۱۸ هزارتومانی پیش نیامده بود. طبق این طرح که در بین افراد روستایی و شهری به‌شکل پراکنده انجام شده، تنها ۲۹٫۹ درصد از افراد ۱۵ساله و بیشتر باسواد، در ماه قبل از آمارگیری روزنامه مطالعه کرده‌اند. سرانه ماهانه مطالعه روزنامه افراد ۱۵ ساله و بیشتر باسواد، یک ساعت و ۲۷ دقیقه بوده است.

درعین‌حال سرانه حضور در شبکه‌های اجتماعی نیز یک‌ساعت و چهاردقیقه بوده است و در کمال تعجب بیش از چهار ساعت از روز را به تماشای برنامه‌های سیما اختصاص می‌دادند. این آمار در حالی عجیب‌تر می‌شود که ۹۱ درصد؛ یعنی حدود (۵۵۱۳۲۸۶۰ نفر) برنامه‌های سیما را تماشا کرده‌اند که ۵/۹۹ درصد مخاطبان در روزهای غیرتعطیل و ۹۴ درصد در روزهای تعطیل به تماشا پرداخته‌اند.

همچنین حدود ۵۱٫۱ درصد افراد اظهار کردند که ورزش می‌کنند و سرانه ورزش آنها به‌طور میانگین ۲۷ دقیقه است.

۷۸٫۹ درصد افراد در هفته شیر مصرف کرده‌اند. سرانه هفتگی شیر، ۳٫۷ لیوان بوده است. جالب‌تر آنکه ۵۴٫۸ درصد افراد در هفته نوشابه مصرف کرده‌اند. سرانه هفتگی نوشابه، ۱٫۷ لیوان بوده است.

مهم‌ترین معضل ازدواج جوانان از دیدگاه افراد ۱۵ساله و بیشتر به‌ترتیب نداشتن شغل دائم با ۳۳ درصد، بی‌کاری با ۳۰/۳ درصد، وضع نامناسب مالی سرپرست با ۷/۱۲ درصد، مشکل تهیه مسکن با ۲/۶ درصد و سپس سایر معضلات ۸/۱۷ درصد بوده است.